

اتحاد زنان آزادیخواه



روز جهانی زن گرامی باد

پیام اتحاد زنان آزادیخواه به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس روز جهانی زن، سمبل تلاش و مبارزه وقفه ناپذیر زنان برای دست یابی به تساوی واقعی بین زن و مرد است. اساس این روز، یاد آور مبارزات زنان کارگر کارخانه های نساجی در شهر نیویورک امریکا در ۸ مارس سال ۱۸۷۵ است. در این روز زنان کارگر در اعتراض به شرایط وحشتناک محیط کاری خود و درخواست افزایش دستمزد و کاهش ساعات طولانی کار به خیابان ها آمدند. اما تظاهرات آنها با یورش قهر آمیز پلیس حامی سرمایه داران به ضرب و شتم زنان مبارز انجامید و سرکوب شد.

ظاهراً به نظر می رسید که سرمایه داران توانسته اند با اعمال قهر ضد انقلابی، صدای حق طلبانه زنان کارگر را خاموش سازند. اما چنین نبود. خاطره مبارزات این زنان همچنان در میان میلیون ها زن آگاه و مبارز زنده بود تا آنجا که حتی پس از گذشت سالهای طولانی از آن سرکوب، در شرایطی که مبارزات زنان کارگر و زحمتکش در کشورهای غربی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود و تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی شان رشد و گسترش قابل ملاحظه ای یافته بود، همین خاطره مبارزاتی به سمبل مبارزاتی تبدیل شد و در روز ۸ مارس سال ۱۹۰۷ زنان در چند کشور برای احقاق حقوق خود دست به تظاهرات زدند. اما شعله مبارزه ای که زنان زحمتکش کارخانه های نساجی نیویورک برافروخته بودند، در اینجا نیز خاموش نشد. با فعالیت های گسترده زنان و به خصوص زنان کمونیست، در سال ۱۹۱۰ در شهر کپنهاک، کنگره سوسیالیست ها برگزار شد و با پیشنهاد یکی از زنان کمونیست فعال در جنبش زنان، یعنی کلارا زتکین، ۸ مارس از طرف کنگره به عنوان روز زن انتخاب شد. مسلم است که برای عملی شدن این تصمیم و جا انداختن ۸ مارس به عنوان روز زن در همه

کشورها هنوز راه مبارزاتی در پیش بود که زنان سوسیالیست و طرفدار طبقه کارگر باید در جهت آن کوشش می کردند.

با گسترش مبارزات زنان و به خصوص زنان کارگر و زحمتکش برای بهبود شرایط کار و زندگی خویش و همچنین برای کسب حق رأی، در سال ۱۹۱۱ در چندین کشور اروپائی از جمله در سوئیس، آلمان، استرالیا، و دانمارک تظاهراتی برپا شد. در آن روز یک میلیون زن به خیابانها آمده و خواست های خود را مطرح نمودند. در ۲۵ مارس همان سال، سوختن ۱۴۹ کارگر زن در یکی از کارخانه های نساجی شهر نیویورک بر خشم و صغیان مبارزاتی زنان افزود و ابعاد نوینی را در مبارزات زنان در سراسر جهان گشود. این واقعه دردناک، زنان کارگر و زحمتکش و طرفداران آنها را برای تثبیت روز زن و تداوم مبارزات خود برای تحقق خواست هایشان هر چه بیشتر مصمم ساخت. بالاخره پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه و اثرات عظیم مبارزاتی که این واقعه در سطح جهان بر جای گذاشت، با پشتیبانی و حمایت زنان کارگر و پیشروان سوسیالیست آنها، روز زن در سال ۱۹۲۱ در کنفرانس زنان انترناسیونال سوم کمونیستی، مورد تأکید قرار گرفته و ۸ مارس به عنوان روز بین المللی زنان، ابعاد جهانی یافت.

همانطور که آشکار است در شکل گیری ۸ مارس، مبارزات زنان کارگر در امریکا و اروپا دارای نقش اصلی بوده و به همین خاطر برگزاری روز زن را به حق باید یکی از دست آورد های ارزنده جنبش زنان کارگر به حساب آورد.

**مارکس همواره تأکید می کرد که: "در هر جامعه، میزان آزادی زنان، قیاس طبیعی برای سنجش آزادی عمومی است."** اکنون با گذشت بیش از سالهای طولانی از آن زمان، در عصر کنونی ما نیز این جمع بندی داهیانه کماکان معیاری ارزنده برای سنجش آزادی عمومی در جهان ماست؛ جهانی که مشخصه اصلی آن همانا حاکمیت نظام بورژوازی و سلطه امپریالیسم و ارتجاع در سراسر دنیاست.

با در نظر گرفتن چنین معیاری، تنها با نگاهی گذرا به ابعاد ستم گری هایی که بر علیه زنان حتی در باصطلاح "آزادترین"، "دمکراتیکترین" و "پیشرفتهترین" کشورهای بورژوازی در جهان امروز در جریان است، در می یابیم که بدلیل وجود مناسبات ضد انسانی سرمایه داری، زنان و بویژه زنان کارگر و زحمتکش در سراسر گیتی در سطوح و اشکال مختلف در زیر سایه شوم انواع ستم ها و نابرابری ها بسر می برند.

بدون شک وضعیت زنان در جوامع وابسته ای نظیر ایران که ویژگی برجسته آن سلطه یک دیکتاتوری عریان می باشد از هم زنجیران خود در کشورهای متروپل به مراتب وخیمتر است. زنان در ایران زیر سلطه حکومت خونخواری بسر می برند که نه تنها کمترین و ابتدائی ترین حقوق زنان را به رسمیت نمی شناسد بلکه با استفاده از لفافه های ارتجاعی مذهبی و تصویب زن ستیزانه ترین قوانین، دیکتاتوری خویش را در جهت هر چه بیشتر به بند کشیدن زنان جامعه حتی به امور زندگی خانوادگی نیز بسط داده و در خصوصی ترین امور زندگی زنان نیز دست برده است. در همین رابطه ما بطور مداوم شاهد توهین به زنان و ضرب و شتم آنان در کوچه و خیابان و دانشگاه و غیره هستیم. می بینیم که بدلیل حاکمیت سیستم ظالمانه سرمایه داری، اعتیاد و فحشا در بین زنان ابعاد بسیار گسترده ای یافته است. حتی کمپانی های تجارت سکس وسیعا رشد کرده و سودهای کلانی را از قبل این تجارت بیرحمانه و بغایت غیر انسانی به جیب می زنند.

استثمار شدید زنان و بویژه زنان کارگر و زحمتکش در محیط های کار توسط سرمایه داران زالو صفت، عدم پرداخت مزد برابر در مقابل کار برابر، تحمیل حجاب اجباری، گسترش و اجرای قوانین زن ستیز در زمینه های اجتماعی نظیر حق طلاق، سرپرستی و نگهداری از بچه، وراثت، حق سفر، حق تحصیل، همچنین مسایلی نظیر سهمیه بندی جنسی دانشگاه ها و مراکز عالی، و بالاخره سرکوب وحشتناک و سیستماتیک هر گونه اعتراض آنان به این نابرابری ها تنها جلوه هایی از وضعیت زنان تحت حاکمیت رژیم زن ستیز و ضد خلقی جمهوری اسلامی ست. این شرایط ناگوار و غیر انسانی بخشی از زمینه های مادی بوجود آمدن و تداوم اعتراضات زنان تحت ستم ایران بر علیه نظام حاکم است. وجود همین اوضاع اسارتبار است که آتش مبارزات و مقاومت های زنان محروم را هر روز و در گوشه ای از کشور شعله ور می کند و بطور طبیعی انرژی مبارزاتی آنان را به مصاف با رژیم زن ستیز و ارتجاعی حاکم می کشاند.

در چنین مسیری است که زنان تحت ستم به مثابه نیمی از نیروی زرادخانه انقلاب، برای سرنگونی رژیم بسیج شده و برای رسیدن به آزادی و برابری واقعی مبارزه می کنند. در طول ۳۰ سال گذشته این واقعیت اجتناب ناپذیر، هراس بر دل مرتجعین انداخته و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بر آن داشته که برای مهار و در هم شکستن جنبش اعتراضی زنان در ایران علاوه بر بکار گیری زور و خشونت عریان، تلاشهای ضد انقلابی ای را هم برای انحراف جنبش زنان از مسیرهای صحیح سازمان دهد. میدان دادن برای رواج ایده های

## انحرافی نظیر **تحقق رهایی زنان از راه مبارزه برای "تغییر قوانین" در چارچوب نظام**

دیکتاتوری موجود، یکی از نمونه های این امر است. رسوخ چنین ایده های بورژوایی در جنبش زنان مسلماً این جنبش را دچار آلودگی های ایدئولوژیکی نموده و آن را از مسیری که باید برای تحقق اهداف خود طی کند منحرف می سازد.

آیا می توان از رژیم زن ستیز و سرکوبگری که برای تحمیل حجاب اجباری حتی از ریختن خون زنان در خیابانها ابایی ندارد، رژیمی که سی سال حاکمیت سپاهش نشان داده فاقد هیچگونه ظرفیتی در پذیرش اصلاحات در هیچ جنبه ای نیست، انتظار قبول کمترین دمکراسی و بهبود واقعی اوضاع را به نفع طبقات محروم داشت؟ رژیمی که بقای آن تنها به برکت زندان و شکنجه و پیگرد مخالفین و اعدام هزاران تن از زنان و مردان مبارز و انقلابی امکانپذیر شده، آیا حاضر است که منافع خود را زیر پا گذاشته و به خواست لغو قوانین زن ستیزانه خود که تسهیل کننده امر استثمار زنان محروم در نظام استثمارگرانه حاکم است گردن بگذارد؟ مسلماً اگر مبنای پاسخ به این سوالات واقعیت و پراتیک ۳۰ سال حکومت سیاه جمهوری اسلامی و تمام دارو دسته های زن ستیز درونی آن باشد، آنگاه چنین انتظاری جز فریبکاری و توهم پراکنی هیچ چیز دیگری نیست. با چنان تلاشهایی تنها پتانسیل انقلابی جنبش زنان به هرز رفته و جنبش از مسیر مبارزه برای رسیدن به رهایی کامل زنان از قید و بند هر گونه استثمار و نابرابری منحرف می گردد.

واقعیات های برشمرده فوق، در درجه اول به فعالین مبارز جنبش زنان نشان می دهند که امروز بیش از هر زمانی مبارزه برای از بین بردن قطعی ستم های وارده بر زنان با کوشش برای بسط آگاهی و طرد نظرات و ایده های انحرافی در جنبش زنان گره خورده است.

تاریخ نشان داده است که موقعیت فرودستی زنان همواره تابع شرایط اقتصادی و روابط مالکیتی در نظام های استثمارگر طبقاتی بوده است و در نتیجه لغو نهایی این نابرابری و فرودستی تنها در بستر ویرانی و نابودی نظام های طبقاتی امکانپذیر خواهد شد. چرا که رهایی و آزادی واقعی زنان در گرو نابودی نظامی ست که عامل اصلی انقیاد زنان بوده و می باشد.

با داشتن چنین افقی ست که در سالگرد ۸ مارس روز جهانی زن، ما تاکید می کنیم که ضمن آن که باید با تمام قوا و به هر وسیله ممکن از کوچکترین مبارزات و اعتراضات برحق زنان

برای کسب حقوق صنفی و سیاسی شان دفاع و حمایت کرد در همان حال باید کوشید تا این مبارزات را به مسیر موثر یعنی نابودی نظام استثمارگرانه کنونی و دیکتاتوری سرکوبگر حافظ آن یعنی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی کانالیزه نمود.

با درود بر تمامی زنان مبارزی که در راه تحقق خواسته‌های عادلانه خود جان باخته اند، بکوشیم تا در اتحاد با یکدیگر رهرو پیگیر راه آزادی و رهایی زنان باشیم.

مارچ ۲۰۰۹

[etehadezan@yahoo.com](mailto:etehadezan@yahoo.com)